

آذرمگین: همه پشت صحنه تلاش می‌کردند و آقای افخمی با تمام فشاری که رویشان بود، یک لحظه ندیدم نخندند. همه اینها و تجربه‌ام از این کار ۱۰ است اما کاستی‌هایی به دلیل نبود وقت، کرونا و... ایجاد شد.



۷ از ۱۰

صادق: دلم نمی‌آید نمره بدهم چون دیدم بچه‌ها چقدر سختی کشیدند. در ارتباط با بازی خودم هم چون اولین کار تصویری‌ام بود، ترجیح می‌دهم نمره ندهم. اما به صورت کلی با توجه به کاستی‌هایی که ایجاد شد فکر می‌کنم همین نمره مناسب باشد.



۷ از ۱۰

نظر: به شانس حضورم در این کار ۱۰ می‌دهم. خوشحالم که آقای افخمی اعتماد کردند و رها را به من سپردند. با تمام وجودم این نقش را باور کردم و همه توانم را گذاشتم تا بتوانم جواب این اعتماد را بدهم.



۱۰ از ۱۰

به مخاطبان است. به خوب، مخاطب را است. این سه نمره کم می‌شود.

بعضی‌ها مخالف چهره‌های تازه بودند



❖ **در این سریال چهره‌های جدید می‌بینیم و نکته قابل توجه این است که دوفرازانان، نقش‌های اصلی را بر عهده دارند. این اتفاق را کمتر در آثار دیگر می‌بینیم، مدت‌هاست بازیگر تازه در این سن و سال وارد نشده است، چه شد که به انتخاب این افراد رسیدید؟**

افخمی: فقدان بازیگر جوان باعث می‌شود بازیگر ۴۰ساله نقش یک دختر ۲۰ساله را بازی کند و این فاجعه‌بار است. در کارهای قبلی‌ام هم سعی کردم آدم‌های جدید و کم سن و سال وارد کنم تا هم کمکی به سینما و تلویزیون شود و هم جوانانی مثل آدرینا و مینو امکان ورود و بروز استعدادشان را پیدا کنند. البته خیلی کار سختی است. اولین مانعی که با آن مواجه می‌شوی، برخی مدیران هستند. وقتی می‌خواهی بازیگر تازه بیآوری فکر می‌کنند می‌خواهی پول خرج کنی. در این کار هم چنین شد. آقای تخشید هم من را به سمت بازیگران چهره سوق می‌داد. با چند بازیگر شناخته شده سی‌وچندساله گفت‌وگو کردم اما به نتیجه نرسیدم. بعد از این، مدیران و آقای تخشید هم دیدند راهی نیست و رضایت دادند. از خیلی‌ها تست گرفتم شاید در یک‌ماه هر روز از ۵-۴ نفر تست می‌گرفتم و از میان آن انبوه، این چهار نفر انتخاب شدند. یادم هست ابتدای کار به آدرینا و مینو می‌گفتم اندازه مکت‌ها و سکوت‌هایتان را نگه دارید. این را برایشان می‌خواندم «اندازه نگه‌دار که اندازه نکوست» و می‌گفتم حسی بازی کنبد تا خود نقش به شما بگوید چطور جلو بروید. اماخر کار واقعاً به این نقطه نزدیک شدند و حسی بازی می‌کردند. خانم نظر اما از همان ابتدا حسی بود و حتی چند جایی برای نقش گریست.

❖ **اگر به گذشته برگردیم همین انتخاب‌ها را خواهید داشت؟**

افخمی: اتفاقاً دو روز پیش خانم آذرمگین پرسید اگر به عقب برگردید باز ما را انتخاب می‌کنید؟ گفتمم با کله (می‌خندد). همین انتخاب‌ها را با همین جایگاه‌ها داشتم.

❖ **آقای تخشید، تهیه‌کنندگان معمولاً جزو اولین کسانی هستند که به دلیل دیده شدن اثر نسبت به حضور چهره‌های تازه مقاومت می‌کنند. چه شد که پذیرفتید؟**

تخشید: من چه در زمان مدیریتم و چه در کارهای قبلی‌ام از چهره‌های جدید استفاده کردم. مثلاً نقش اصلی وارث درست است که در کارهای دیگر حضور کم‌رنگی داشت، اما هنوز یک چهره ناشناخته به حساب می‌آمد. همیشه این اعتقاد را دارم که سریال‌سازی در تلویزیون باید معرفی چهره‌های جدید داشته باشد، چون در سینما به فکر فروش هستی و یک قسمت روی پرده می‌رود. سریال ظرفیت بیشتری دارد و اگر قصه خوب باشد مخاطب را با خود می‌کشد. در این سریال نقش‌های اصلی، مانده و زهره و دوستان‌شان در قسمت‌های ابتدایی سریال باید مخاطب را جذب می‌کردند. میلاد میرزایی، ایفاگر نقش کامرانی هم گرچه بازیگر بود اما آنچنان چهره به شمار نمی‌آمد و ترکیب این گروه در قست‌های اول من را نگران می‌کرد. می‌گفتم اگر قرار است چهره جدید بیاوریم یک جوهرایی ترکیبی باشد وگرنه با نفس حضور چهره‌های تازه مواجهم. زمان پخش قسمت‌های ابتدایی هم عده‌ای واکنش نشان دادند و می‌گفتند چرا نباید یک چهره را جای این افراد ببینیم؟ لابد تهیه‌کننده نمی‌خواسته خرج کند و یعنی نگرانی من واقعی بود ولی با پیش رفتن کار، جواب داد. در این کار تا هفته آخر برای انتخاب بازیگران جوان در بیم و امید بودیم تا بالاخره به این چند نفر رسیدیم. مثل معجزه بود و الان از این ریسکی که کردیم راضی هستم.

افخمی: آقای تخشید گفت پنج قسمت اول این سریال هیچ بازیگر مطرحی ندارد و اگر دیده شود بی‌سابقه است.

توکلی: چهره‌های تازه، ستون‌های آینده هنری کشور هستند و افتخارم این است در این کار، کنار این جوانان بودم. این بیستمین کاری است که مقابل دوربین آقای افخمی بودم. یک روحی در کارهای آقای افخمی هست که فضای انسانی و بامعرفتی را ایجاد می‌کند.

❖ **یکی از نگرانی‌هایی که اخیراً نسبت به حضور چهره‌های تازه بیشتر شده، حاشیه‌هایی است که گاه این افراد بعد از روبه‌رویی با حجم زیادی توجه و دیدن شدن ایجاد می‌کنند. تا جایی که ممکن است حتی به ضرر اثر تمام شود. البته مقصودمان بازیگران این مجموعه نیست، اما از این دست اتفاقات را پیش‌تر در شبکه‌های اجتماعی و ... شاهد بودیم، شما از این بابت نگرانی نداشتید؟**

افخمی: اگر بگویم نه، دروغ گفتم. ابتدا این نگرانی را داشتیم ولی الان خیر. شناختی که از این چهار دختر پیدا کردم به من می‌گوید افراد با درک و شعوری هستند که بیشتر از سن خود می‌فهمند. در واقع آدم‌هایی انتخاب شدند که کاملاً ظرفیت دیده شدن را دارند.

تخشید: در روزهای اول طی جلساتی که با بازیگران جدید داشتیم، درصد زیادی این اطمینان برایم حاصل شد از آن طیفی نیستند که مساله ایجاد کنند. تحقیقاتی پیرامون‌شان انجام شد و مسائلی را بررسی کردیم و دیدیم مثلاً در صفحه اینستاگرام‌شان شلوغ بازی‌های الکی ندارند. این نشانه‌ها به ما می‌گفت مشکلی نیست و این‌شاء... در ادامه هم نخواهد بود.

داستان‌هایی که ناتمام ماند



❖ **در آخر کار ما خرده داستان‌هایی را می‌بینیم که رها می‌شوند؛ مثل دوست‌های مانده که حس کردیم قرار است به او ضربه بزنند.**

افخمی: بله، ادامه قصه ما همین بود و اصلاً قصه شکبیا به این دلیل آورده شد چون محبوبه که به یکی از جلسات احضار رفت قرار بود اصل اتفاق را به خانواده کامرانی بگوید، خواهر کامرانی هم با مانده برخورد کند و در نهایت شیطان چون مانده فکر می‌کند فقط او و زهره در جریان این ماجرا هستند، زهره را باعث و بانی این جریان جلوه دهد تا میانه این دورا به هم بزنند. همه این داستان‌ها که بخش‌های دیگری هم داشت به دلیل کمبود زمان رها شدند. مثلاً پسر شیده، هادی دیبایی قرار بود در ادامه با زهره و علی‌اکبر، رها را پیدا کنند و چون زمان نداشتیم مجبور شدیم در قصه از طریق مجازی در کمترین زمان او را پیدا کنیم اما قرار اول ما این نبود. من حتی گفتم می‌شود برای بخش ماه رمضان پایانی را بگذاریم و در ادامه در فصل دوم در حدود ۱۴ قسمت قصه را تمام کنیم ولی دیدیم این اتفاق عملی نیست از سرناچاری به این شکلی که دیدید، رسیدیم. در این بین تنها راه ممکن این بود که قصه‌های فرعی را جمع و حذف کرده و حتی مواردی مثل دوستان مانده را به کل رها کنیم. شاید علت وجودی برخی از این قصه‌ها این بود که من از ابتدا تصور کردم شاید قصه رها و از آن طرف ماجرای کامرانی نتواند ۲۰ قسمت کار را پوشش دهد. این ترس باعث دستپاچگی‌ام شد و قصه‌های فرعی درست کردم و همان‌ها روی دستم ماند. البته آنها هم جذابیت‌های خود را داشت که به خاطر زمان نشد کاملاً گفته شود.

❖ **یعنی دیگر قرار نیست احضار را ببینیم؟**

افخمی: خیر؛ من قرار نیست چنین ادامه‌ای را بسازم چون در کل اهل دوسازی مجموعه‌ها نیستم البته سوزه برای تلویزیون است و شاید با کارگردان و گروه دیگری بخواهد آن را ادامه دهد اما من این کار را نمی‌کنم.

❖ **پس چرا آقای توکلی استوری درباره ادامه این ماجرا منتشر کرد؟**

توکلی: من نوشته بودم پایان احضار و دستم خورده بود یک عدد۱ هم به آن اضافه شد. (باخنده).

زهره پر از اشتباه بود

❖ **زهره یا همان دختر خوب قصه هم در این سریال نقشی با یک وجهه ثابت داشت که در مواقعی آن را کنار می‌گذاشت، شما چطور به این شخصیت نزدیک شدید تا بتوانید آن را طوری که باید منعکس کنید؟**

مینو آذرمگین: ماقبل از این‌که کار را شروع کنیم، در پیش تولید خیلی با آقای افخمی درباره کار و شخصیت‌های قصه صحبت می‌کردیم، گفت‌وگویی که از ریزترین مواردی که درباره شخصیت‌مان می‌خواستیم بدانیم تا رفع اشکال درباره درست و غلط بودن شیوه اجرای آن را شامل می‌شد. در واقع ما با یک آمادگی وارد تصویربرداری و فاز تولید شدیم. زهره شخصیت مثبتی دارد اما بر خلاف نظراتی که گاهی مردم به صورت تندی درباره او مطرح کردند، شاید خیلی آدم غیرواقعی نباشد چون او هم اشتباه می‌کند، عاشق می‌شود، عشقش را بروز می‌دهد و نمی‌تواند جلوی ابراز عواطفش را بگیرد. او حتی به دلیل همان عشقی که دارد کاری که پدرش به او می‌گوید حرام و گناه است را انجام می‌دهد، به نظرم این اتفاق بدی نیست.

❖ **و در مورد کلیشه بودن این ظاهر چطور خودت چه نظری داری؟**

شاید جادو و نوع پوشش او در لحظه اول به واسطه شخصیتی که دارد از نظر کلیشه بودن دافعه داشته باشد اما فکر می‌کنم اگر مردم به قول آقای تخشید کمی دقیق‌تر نگاه می‌کردند، اشتباهات زهره را هم می‌دیدند. او به خانواده‌اش دروغ می‌گوید یا بهتر بگوییم پنهانکاری می‌کند.

❖ **اما با این وجود باز هم راستش را می‌گوید و همان شخصیت تمام مثبت می‌شود.**

به هر حال این شخصیت مثل هر کسی گناه و اشتباه می‌کند اما برمی‌گردد، مانده هم که آن ظاهر را ندارد همین روند را طی می‌کند؛ یعنی گناه می‌کند، به ناپدری‌اش توهین می‌کند و موارد مختلف دیگر که در نهایت از آن برمی‌گردد. هر آدمی در هر جایگاهی و باهر عقیده‌ای می‌تواند برود و برگردد. به نظر من زهره واقعاً خیلی غیرواقعی نبود.

❖ **وجه ارشاد ونصیحت کردن هم در شخصیت زهره خیلی پررنگ است.**

در این باره که بیشتر در مورد مانده آن را می‌بینیم فکر می‌کنم بخشی از آن احساس مسئولیتی است که نسبت به مانده دارد چون این شخصیت تنها از زهره حرف شنوی دارد و مادر او هر جا که دیگر کاری از دستش برنمی‌آید به زهره زنگ می‌زند. شما هم اگر ببینید مثلاً روی خواهرزاده یا هر آشنایی بیشتر از مادرش نفوذ داری، وقتی آن شخص گیر می‌افتد هر کاری که از دستت برمی‌آید را برایش انجام می‌دهی. همچنین شخصیت زهره تفاوت‌هایی در رفتارش دارد که این برای من خیلی دوست‌داشتنی است. او فقط با مانده اینطوری است، یعنی وقتی با شیده است یکدفعه آدم شوخی می‌شود که دائم می‌خندد، زمانی که با پدرش است مثل موم در دست اوست و اصلاً ابراز نظرهایی که زمانی با مانده است آن را مطرح می‌کند؛ امکان ندارد جلوی پدرش بگوید. به همین دلیل به نظرم این قشنگی است که او چنین احساس مسئولیتی را به دخترعمه‌اش دارد.

❖ **باز زهره‌هایی که از این شخصیت گرفتید چطور بود؟**

اوایل بخش زیادی از آن خوب نبود و جدا از گیرهایی که در مورد ظاهر و موارد شخصی که مهم هم نیست، وجود داشت، بخش زیادی از آن این بود که چرا این رفتار را با مانده داری او گناه دارد. با همه اینها از وقتی شیده وارد داستان شد همه چیز درباره زهره تغییر کرد چون او به خاطر مانده با تعقیب فرهاد کاری را می‌کند که اصلاً درست نیست. در ادامه حدود ۹۰ درصد نظرات مثبت و خوب بود و شاید ۱۰درصد نگاه دیگری داشتند.

این قصه از کجا آمده است؟

❖ **درباره یک مساله ماورایی معمولاً نظرات متفاوتی وجود دارد و به همین دلیل پس از روی آنتن رفتن کار، با موافقان و مخالفان مواجه می‌شود. شما برای رسیدن به این فضا و پرداخت آن سراغ چه منابعی رفتید؟**

افخمی: سؤال خوبی مطرح کردید و مهم است که درباره آن گفته شود. بیشتر مطالعات من در این زمینه، آثار علامه طباطبایی به ویژه تفسیر المیزان و همچنین آثار آقای جوادی آملی به ویژه تفسیر موضوعی و تفسیر تسنیم ایشان بود. این دو محور در کنار، منابع دیگر مراجع من برای این کار بودند.

❖ **اساساً هدف‌تان برای محور قرار دادن چنین موضوعاتی در آثار تان چیست؟**

مباحث دینی خصوصیت و استعداد عجیبی برای آلوده شدن به خرافات دارد. متأسفانه در جامعه ما خیلی این اتفاق افتاده است. این‌که مسؤولیتش چه کسانی هستند، بماند ولی به هر حال در ایران و به خصوص در سال‌های گذشته، بیش از پیش آلوده به خرافات شده است. آن چیزی که قضیه را خطرناک می‌کند این است که بسیاری از مباحث جدی دینی هم ذیل این‌که خرافه را ترویج نکنیم، مسکوت مانده است. یعنی راجع به جن و شیطان که به صورت صریح در قرآن صحبت شده است، حرف نزنیم چون می‌ترسیم به خرافه آلوده نشود! من دوست دارم این مباحث را که به شدت در قلیلم‌های غربی و عالم مسیحیت درباره‌اش صحبت می‌شود، در اینجا مطرح کنم. در جمهوری اسلامی که داعیه اتکای بر فرهنگ اسلام را داریم، به همین دلایل که عرض کردم متأسفانه به چنین موضوعاتی نزدیک نمی‌شویم. همه این چالش‌هایی که درباره ساخت این دست آثار می‌گویید برای من به وجود آمده است. زمان «او یک فرشته بود» با آقای میرباقری و برارزش به قم رفتم و به پرسش تعداد زیادی روحانی که گوش تا گوش یک سالن همایش نشسته بودند، پاسخ دادیم. الان هم منتظرم جواب دهم و با این قضیه مشکل ندارم، چون مطمئناً چیزی که می‌گویم خرافه نیست و می‌توانم از آن دفاع کنم. مثلاً در قرآن آمده است ساحت دیگری از زندگی انسانی به نام زندگی اجنه وجود دارد. خوب است که اینها به مخاطبان مسلمان گفته شود و البته هشدار بدهیم مراقب باشیم این باورها با خرافه آلوده نشود. در جامعه امروز برای ترس از خرافه، کلاً صورت مساله را پاک کردند و در آثار فرهنگی‌ما نشانی از این موارد نیست. من دقیقاً دارم با چنین چیزی مقابله می‌کنم.

❖ **یعنی در کار بعدی تان هم سراغ چنین فضایی می‌روید؟**

ممکن است به دلیل ایجاد تنوع ذهنی برای خودم در کار بعدی سراغ فضای ماورایی نروم. یادم هست بعد از «او یک فرشته بود» آقای پورحسین و بقیه اصرار داشتند فصل ۲ آن را بسازم. بهروز هم گفت ای بابا انقدر اصرار می‌کنند، بساز دیگر. همه جای دنیا وقتی کاری موفق می‌شود سری بعدی آن هم را می‌سازند. گفتم من نمی‌سازم اگر می‌خواهی خودت بساز. بعدش سریال کم‌دی زیرزمین را ساختم نه به این خاطر که از پاسخگویی، فضای ماورایی و قضاوت‌هایی که درباره‌اش می‌شود فرار کنم، بلکه خواستم به ذهنم استراحت دهم. بعد از آن «اغما» و «روز حسرت» را نوشتم و ادامه دادم.



ای ماورایی که خیلی هم از ما دور نیست را به تلویزیون باز کرد. مجموعه‌ای به نویسندگی و کارگردانی علیرضا زاهدی از سریال‌ها شد و هنوز که هنوز است تا اسم او می‌آید خیلی‌ها منتظر دیدن قصه‌ای این چنینی هستند. زاهدی درمی‌آید، علاوه بر شب‌های ماه رمضان تا همین چند وقت پیش ادامه داشت؛ مجموعه‌ای که توانست اینها به‌خصوص پایان‌بندی آن با نقد و نظری‌های زیادی هم همراه بود. جریانی که باعث شد تا ما در جام جم یک رهن‌آین کار وجود دارد، بپرسیم و بشنویم. علیرضا افخمی، محمودرضا تخشید(تهیه‌کننده)، رضا توکلی، مینو محبت‌هایی را مطرح کردند که در ادامه آن را می‌خوانید.

خیلی‌ها گفتند «رها» قصه ما است



❖ **شخصیتی که ما از رها در طول قصه دیدیم، با اتفاقی که در قسمت آخر برایش می‌افتد، خیلی دور است. او ابتدا افسرده و وابسته است اما در قسمت آخر به بالاترین حد انتقام می‌رسد. چقدر این روند تغییر رفتار برای شما توجیه‌پذیر و قابل باور است؟**

غزال نظر: رها جزو شخصیت‌هایی بود که من تمام واکنش‌هایش را باور کردم، زمانی که قرار بود اتفاق قسمت پایانی رخ دهد، ما مدام با آقای افخمی درباره‌اش صحبت می‌کردیم و اگر برای من بخشی از آن جای سؤال بود، از آن می‌پرسیدم. آقای افخمی خودشان خالق این شخصیت‌ها بودند و زمانی که از آن توضیح می‌دادند من را به حسی که باید در شخصیت وجود داشته باشد، می‌رساندند. این‌که چه اتفاقی در ذهن این شخصیت می‌افتد که او را به اینجا می‌رساند. من فکر می‌کنم در زندگی واقعی هم ما نمی‌توانیم حدس بزنیم هر آدمی در موقعیت‌های مختلف ممکن است چه بکند و همه در موقعیت است که واکنش‌های مختلفی دارند. رها هم یک شخصیت واقعی است و برای من به‌عنوان بازیگر، تمام دیالوگ‌ها و واکنش‌هایش چیزی بود که از مصمیم قلیم باورش داشتم. شما ابتدا از این شخصیت شناسه‌هایی را می‌گیرید و در ادامه خلوت و تردیدش را می‌بینید. این‌که پول برایش مهم نیست و این دستاویزی است که با آن انتقام بگیرد و مدام با خودش در چالش است. در لحظه انتقام هم ابتدا می‌خواهد خودش را هم بکشد و حال تزلزل روحی کسی که باز به مواد برگشته را دارد. به همین دلیل به نظرم آن انتقام هم کاملاً از او برمی‌آمد، یعنی من به‌عنوان بازیگر آن نقش به آن حال رسیدیم و همه چیز برایم قابل درک بود.

❖ **باور ندارید این‌که زندگی رها آن قدر وابسته به حضور یک مرد باشد و در نهایت حرف دوستش درست از آب دربیاید و با رفتن فرهاد از زندگی‌اش دوباره به اعتیاد برگردد، یک جوهرایی نشان دادن ضعف زنان در تشکیل زندگی مستقل است و حتی بدآموزی دارد؟**

نظر: خیلی جالب است در طول کار کامنت‌هایی که در اینستاگرام می‌گرفتم، اغلب از خانم‌هایی بود که می‌گفتند این قصه من است. ما در اجتماع آدم‌های زیادی مثل رها داریم. اتفاقاً به نظرم نه‌تنها بدآموزی ندارد، بلکه تلنگری است برای خانم‌ها و آقایان. زمانی که جهان ذهنی یک زن را بعد از این جدایی ناگهانی نشان می‌دهی، خیلی از مردان متوجه می‌شوند وقتی با یک زن این کار را می‌کنند چه اتفاقی برای او که تمام زندگی‌اش را روی این رابطه بنا کرده است، می‌افتد. برای دختران هم تلنگری است که این‌گونه نباشند و همه زندگی‌شان را روی یک رابطه نگذارند چون با رفتن آن مرد شاید دیگر نتوانند زندگی کنند.

❖ **مجازاتی که برای فرهاد در نظر گرفته شد در حد شخصیتی که ما از او دیدیم نیست چون او باوجود همه خطاهایش آن قدر منفی نشان داده نشد و عشق واقعی به مانده داشت. شما چه نگاهی به این شخصیت دارید؟**

افخمی: اشتباهی که همیشه صورت می‌گیرد و من با آن مشکل دارم این است که ببینده‌ها به‌عنوان دانای کل در نهایت قضاوت می‌کنند، این قضاوت دانای کل غلط است و اگر ببینده‌ها هم مثل من که جای رها نشستم و از نقطه نظر او به ماجرا نگاه کردم، می‌نشستند؛ مطمئناً قضاوت‌شان این که شما می‌گویید نبود. در اینجا فرهاد واقعاً عاشق مانده است و اگر دروغ گفته برای عشقش بوده، عشقی که می‌تواند تا حدی فرهاد را تبرئه کند البته نه صددرصد چون جنایت‌های احساسی که در مورد رها کرده، همچنان پایرجاست اما اصل قضیه این است که تماشاچی‌ها بلد نیستند جای کاراکتراها بنشینند و قضاوت کنند. من فکر می‌کنم اگر کسی بتواند از زاویه نگاه رها ببیند، کاملاً به او حق می‌دهد که چنین رفتاری کند. از همین رو همه مواردی که می‌گوید این مجازات حق فرهاد نبود، از زاویه دید همان دانای کل است نه با اطلاعات و حسی که رها دارد.